

کاریکلماتورهای روزبه



بزرگترین و بهترین سرگرمی زندگی سرکشی است
دکتر روزه آذربیزین (روزبھانی)

پیشکش به پرویز شاپور- بیژن اسدی پور و عمران صلاحی

کاریکلماتورهای روزبه

دکتر روزبه آذربیزین (روزبهانی)

دفتر اول

بهار 2728 مادی

2579 هخامنشی

2020 میلادی

لس آنجلس

کاریکلماتور در حقیقت کاریکاتوری است که بجای اینکه با تصویر نمایش داده شود با کلمات نوشته میشود. زمانه آنقدر خراب شده است که دیگر نمی توان تصاویر را با خط کشید. وقتی دستار بند دون صفت و بدون اهل و نسبی مثل خامنه ای رهبر یک ملت میشود ، چگونه میتوان شکلش را کشید. هر چی که بکشید تف سر بالا است. آخوند و رهبری !! فقط کلمه میتواند با خفت خو کردن یک ملت را بکشد. پیش از من بزرگی مثل پرویز شاپور با یک خط خیلی چیز ها را بهم پیوند میداد . استخوان یک ماهی مثل یک خط از تن چند تا پرنده عبور میکرد و آنها را مسنجم و یکپارچه میکرد. پرویز شاپور بما یاد داد که برای رسیدن به مقصد ، کوتاه ترین راه را انتخاب کنیم. با نیم خط نوشتن زحمت نوشتن یک مقاله را بخود نداده و وقت خواننده را هدر ندهیم.

کاریکلماتور درست مثل کارتون حد و مرز ندارد. در آن همه چیز امکان پذیر است . نکته مهم در کاریکلماتور با دنیای عجیب و غریبش درک منظور نویسنده است که برخی اوقات بسیار سخت است. بگذریم که بنا به گفته احمد شاملو بعضی ها مواجب میگیرند که نفهمند! در بیشتر مواقع کاریکلماتور درست مثل نت موسیقی عمل می کند ، بدون هیچ گونه شرح و تفسیری. کاریکلماتور را باید شناخت و سپس آنرا خواند. برای کسانی که شناختی از این سبک نگارش ندارند ، کاریکلماتور لوس و نا مطبوع است.

تا کنون سه تن در این راه قدم برداشته اند . پیشکسوت ، پرویز خان شاپور ، بچه مرشد ، بیژن اسدی پور و کلاه گردان معرکه ، دکتر روزبه آذربرزین ، که در کنار نوشتن مطالب جدی ، بخت و شانس خودش را در زمینه طنز هم به میان کشیده و در این زمینه صاحب بزرگترین مجموعه طنز سیاسی – مذهبی بنام ریشنامه و فیلمنامه 124001 و تاریخ شرمگاهی اسلام است.

- . گاهی اوقات نفع قلم شکستن ، بیشتر از قلم زدن است.
- . وطن پرستی اش ، شهره آفاق است ، جاکوزی خانه اش را بشکل نقشه ایران طراحی کرده است.
- . در حقیقت امام خمینی ، امید مستکبران جهان بود.
- . هیچ زمانی بند و ریسمان معنی واحدی نداشته اند.
- . فرق موسیقی مبتذل و اصیل این است که اولی طرفداران بیشتری دارد.
- . درخت هر چه بارش بیشتر باشد ، خطر شکستگی شاخه هایش را تهدید می کند.
- . شب از لاس وگاس گریزان است.
- . هر چیز کوچک و حقیر را به میکروب و ویروس تشبیه می کنیم.
- . کرونا نشان داد که آدم چقدر حقیر و ناتوان است.
- . وقتی کرونا خانه خدا را بست ، اعتقاد من به ویروس دو صد چندان شد.
- . وقتی از قلم افتادم ، پاهایم ضرب دید.
- . با سوء مدیریت در نظام آخوندی چهل و دو سال است که آب از تشنگی هلاک شده است.
- . برای اینکه از نوشته هایم ایراد نگیرند، چند سالی است که چیزی نمی نویسم.
- . شب نامه را بخاطر ترافیک سبک در شب پخش می کنند.
- . چهل و دو سال زمامداری دستار بندان باعث شد تا به اندازه 1400 سال

مطلب ضد اسلامی نوشته شود.

. وقتی از ضربه پذیر بودن اسلام مطمئن شدم که سلمان رشتی کتاب آیات شیطانی را نوشت.

. بیشترین بهره برداری از افسانه های مذهبی را هالیوود نصیب خودش کرده.

. تخصص برخی از پزشکان در صدور جواز دفن است.

. طناب ملا تنها برای چاه جمکران خوب است.

. پرنده محافظه کار در فضای باز سیاسی اعلام شده پرواز نمی کند.

. در بیستمین سالگرد ازدواجش ، بیست پرنده محبوس در قفس را آزاد کرد.

. در بیستمین سالگرد ازدواجش ، بیست پرنده به پرندگان قفسش اضافه کرد.

. آدم یک چشم ، همه را با یک نگاه می بیند.

. در عزای حسین ، برای اینکه عزاداران خون گریه کنند، نوار بهداشتی پخش کردند.

. تنها آزاد اندیشان ، حق ورود به فری وی را دارند.

. وقتی در نوشتن دیکته جا می انداخت ، چرتش می گرفت.

. بخت از ماهی اوزن برون وقتی بر گشت که خمینی فتوا داد گوشتش حلال است.

. ماهی اوزن برون برای اینکه گوشتش را حلال نکنند ، فلس هایش را

پنهان کرد.

. صاحب سینما به منظور جلوگیری از ضرر ، تصمیم گرفت ، منبعد فیلم سنگین که باعث شکسته شدن آپارات میشود نشان ندهد.

. همیشه از سایه عبور می کند ، چون از سایه خودش هم میترسد.

. چهل و دو سال است که تقویم ما فقط سه فصل دارد، تابستان ، پائیز و زمستان.

. چهل و دو سال است که مردم ایران در شب زندگی می کنند.

. چند سالی است که سایه ام بمن پشت پا میزند.

. سالهاست که در کشورمان پیاده از حال سواره خبر ندارد. آخریش سقوط هواپیمای اوکراینی بود.

. وقتی ناو جماران ، ناوچه کنارک را میزند ، دلم برای آمریکائی ها میسوزد که از روی ندانم کاری برای رژیم ملاها خط و نشان می کشند.

. دریچه قلبش را بسکه بر روی همه باز کرده ، هرز شده.

. وقتی ساعت را کوک می کنم ، میگو امل عهد حجر.

. برای اینکه از قافله عقب نیفته، چند ساعت زودتر حرکت میکند.

. در ایران ، کسانی که از پرواز میترسند، زنده میمانند.

. آدم عاشق پیشه بجای دریچه قلب ، دروازه قلب دارد.

. باران رحمت او، موجب سرماخوردگیم شد.

. سالها است که در نامه نگاری های روزمره رحمت را با نقطه روی حرف ر می نویسند.

. برای دریافت سهمیه شکر ، در صف کلاس زبان فارسی ایستاد .

. وقتی به مرده رو بدهند ، مرگش را انکار می کند .

. باران رحمت موجب شکستگی سرم شد .

. باران رحمت آخوندی ، هرساله موجب آمدن سیل و وارد ساختن تلفات جانی و خسارتهای مالی میشود .

. وقتی به مرده رو بدهند ، طلب پوشک اضافی می کند .

. دنیای عجیبی است . وقتی برق میرود ، چراغها روشن میشوند .

. وقتی تنگ آب شکست ، ماهی به عشق آزادی راه خانه تا دریا را پیاده پیمود .

. آخوند برای ندیدن وقاحت خودش از پشت آینه عبور می کند .

. برای خواباندن قلب نا آرامش ، لالائی کار ساز نیست .

. میلیونها بلبل از ایران کوچ کردند ، چون چهل و دوساله رنگ جوانه ندیده اند .

. مدتی است سایه ام آرزیم گرفته ، موقع راه رفتن دنبال افراد مختلف میره .

. وقتی از مردم ایران راجع به آزادی سؤال میشه ، اونها فقط به میدان آزادی اشاره می کنند .

. از میان گلها ، تنها به گل سینه علاقمند است .

. آزادی ، نمکی است بر زخم دیکتاتور .

. معروفیت دستمال یزدی ، بخاطر جنس آن نیست .

- . گل شب بو در روز خریداری ندارد.
- . در عزای مرگ بهار، برگهای زرد را بسرش ریخت.
- . سالها است که خنده را در سلول انفرادی حبس کرده اند.
- . با گیوتین اسلامی، سر تمام جنبندگان را میتوان برید.
- . تصور کار زیاد، او را خسته می کند.
- . چراغ خواب، همیشه حسادت چراغ مطالعه را بر می انگیزد.
- . آنهائیکه سرنا را از سر گشادش میزنند، کلاس موسیقی نرفته اند.
- . برای آدم گرسنه، حبه قند شکلات سوئیسی است.
- . برای اینکه قلم ترک خورده اش را مرمت کند به جوهر آن کلسیم افزود.
- . برای اینکه بتواند سیب دزدی کند، سرش را زیر پایش گذاشت تا دستش به سیب برسد.
- . به عقیده ملاها، سر آدم ها زیادی است.
- . برای آسودگی خاطر آخوند، مردم ایران نه دست لازم دارند که بنویسند و نه زبان که اعتراض کنند و نه پا که برای تظاهرات به خیابان ها بیایند.
- . اگر آبشان به یک جوی میرفت، در مصرف آب کلی صرفه جوئی میشد.
- . در کسب آزادی مردم ما را با پاندول ساعت مقایسه می کنند.
- . در داخل قفس لاقط طوری به ایستید که سایه شما بیرون قفس باشد.

. ایرانی آن ماهی نگون بختی است که در اقیانوس به دنبال خرید تنگ است.

. ایرانی هر هزار کیلومتر با تعویض روغن، ماشینش را سرویس می کند و هر روز چشمش را با اشکش .

. در خانه ایرانی ، بهترین جای خانه مال غم و غصه است.

. از عجایب روزگار این است که هنرپیشه زن در سینمای جمهوری اسلامی با روسری و مانتو و پالتو به رختخواب میرود و فردا صبح حامله رختخواب را ترک می کند.

. درختی که در فصل پائیز گل داده بود توسط پاسدارها و بسیجی ها قطع شد.

. ایران تنها کشور دنیاست که مردمانش سایه های پیر دارند.

. چهل و دو سال است که پاندول ساعت ما حرکت دارد ولی عقربه های آن خیر.

. وقتی مغز یک ملت پنج کار کند برای کسی که در بهشت عشق می کند باید عزاداری کرد.

. ده بار سیفون مغزش را کشید ولی مدفوع آن تخلیه نشد.

. وقتی میگن آب قلبشو میخوره ، انگار مابقی اندامها آب ندارند.

. چرا فقط میگن آب قلبشو میخوره ، کلیه ها که بیشتر آب دارند.

. آب که سر بالا برود ، قورباغه با تغییر دستگاه شور می خواند.

. یارو را توی ده راه نمیدادند می گفت : تعجب می کنم ، شما کدخدای

خود را نمی شناسید.
 . آب را باید از سر بند بست تا به دربند نرسد.
 . آب که یکجایماند ، از بچه خبری نیست.
 . آخر شاعری و نویسندگی گدائی است ، حساب ناشر جدا است.
 . آسیاب باش ، درشت بستان و کم بده
 . آشپز که دوتا شد ، حتما کار رستوران گرفته .
 . آتش دهن سوزی نیست . برای اینکه گرمش نکرده اند.
 . آنان که غنی ترند ، محتاج ترند
 . اگر موش دایتش را حفظ کند ، حتما توی سوراخ میرود.
 . به حق فولاد آبدیده است. خانه اش کنار دریا است.
 . وقتی پرنده را از قفس آزاد کردند ، شوک نا باوری باعث مرگش شد.
 . برای اینکه سطح فکرم را بالا ببرم از جرثقیل استفاده می کنم.
 . در تمام دنیا از جرثقیل برای بالا بردن اشیاء سنگین استفاده می کنند و
 در ایران برای حلق آویز کردن مردم.
 . در کمبود قند ، از اضافی قند خورش استفاده می کند.
 . با سایه اش نمی تواند کنار بیاید ، چون همیشه جلوتر از او حرکت می
 کند.
 . خانواده خوشبختی هستند ؛ کورش آزاد، داریوش آزاد، تهمینۀ آزاد و
 ستاره آزاد.

. شیرین کام از درک سایر طعم ها عاجز است.
 . یخچال بر خلاف اسمش ، گورستان یخ نیست ، زایشگاه یخ است.
 . همه بوسیله گل با شب‌نم آشنا میشوند و من بوسیله همکلاسی شب‌نم.
 . اگر تمام ایران را بگردید، یک افق دور دست پیدا نمی کنید.
 . در صد بالائی از مردم دنیا ، آزادی را پس از مرگ حس می کنند.
 . وقتی کتابهای حلّیته المتقین و توضیح المسائل را می خواند ، بی اختیار
 زبان به تمجید از فیلم فارنهایت 451 می گشود.
 . از بس خوابش سنگین است ، باید هر روز یک تختخواب نو بخرد.
 . در سقوط هواپیما ، چون چتر نداشت از بارانیش استفاده کرد.
 . گرمای شدید عشقش ، معشوق را ذوب کرد.
 . برای آدم گرسنه ، نان خشک ، شیرینی لوطیاله است.
 . تنها آخوند است که خوشبختی اش را در بدبختی دیگران می بیند.
 . آدم وطن پرستی است. از پرچم ایران به عنوان ملحفه رویش استفاده
 می کند.
 . خیلی وقت به این نتیجه رسیده که نه در ابتداو نه در انتهای فری وی به
 آزادی نمی رسد .
 . قیافه کسانی که از دست زن به خدا پناه میبرندو بعد می بینند ، خدا زن
 است دیدنی است.
 . دل پیچه زمین را با آتشفشان متوجه می‌شویم.

. در ایران اشک شوق جایش را با اشک غم عوض کرده است.
. در ابراز عشق، چشمان جور زبان را می کشند.
. وقتی رهبر فرمان آتش به اختیار به بسیجی ها داد، عشق ایران را ترک کرد.
. تاریخ همیشه تکرار میشود چون در مدرسه جدی گرفته نمی شود.
. تاریخ مملکت ما را با تک ماده در شهریور خوانده اند.
. وقتی میمیرم ، تنها قلبم به احترام مرگم سکوت می کند.
. همه برای آزادی تاوان سنگینی میدهند ، ما برای اسارت .
. برای اینکه تنگی نفس نگیرم ، وصیت کرده ام روی قبرم سنگ نگذارند.
. آنقدر طعم شکست مذاقم را پر کرده که نمیدانم پیروزی چه مزه ای دارد.
. دو خط موازی تاب تحمل بی نهایت را نیاورده ، بهم چسبیدند.
. از تصور نروئیدن گل در ماه دلم میگیرد.
. سرزمین عجایب جائی است که هشت سال رئیس جمهور آن سیاه پوست است و حرف از تبعیض نژادی میزنند.
. وقتی مجری رادیو راجع به آزادی سخن می گفت ، پرنده درون قفس خنده اش گرفت.
. آینه برای اینکه توسط صاحبش شکسته نشود ، تصویر او را زیبا نشان میداد.

. از آینه به عنوان آلبوم عکس استفاده می کند.

. پس از تصادف ، نور چراغ های ماشینم کبود شده اند

. از ورود قطره بارانی که معصیت نکرده بود به سیل جلوگیری کردند.

. تنها خواهشم این است ، اگر مردم روی سنگ فبرم تاریخ نگذارید که آیندگان متوجه شوند ، من در زمان آخوند ها زندگی میکردم.

. برای دهن کجی به گورستان ، خواستم تا جسد مرا بسوزانند.

. چون بیگدار به آب زدم ، لباس هایم خیس شد.

. نوزاد برای نابرابری و نامردمی گریه نمی کند ، همانطوریکه آزاده برای شیر.

. تنها شرط ازدواجم با خانمی، این است که نامش آزاده باشد.

. در کمبود آب در ایران ، مسئولین گناه را بگردن آبدزدک انداختند.

. از وقتی شکمش آب آورده از آن برای گل و سبزی آب دادن استفاده می کند.

. تغییر وضع را نمی پذیرد . متون انگلیسی را از راست به چپ می خواند.

. برای اینکه میز ریاست ویژه گی های اخلاقیم را تغییر ندهد ، دستور دادم برایم نیمکت بگذارند.

. وقتی شیر تو شیر میشود ، اختلال در رساندن آب پیش می آید.

. وقتی شیر تو شیر میشود ، وضع جنگل بهم می ریزد.

. در کمبود مصالح ساختمانی از سنگ پشت استفاده می کند.

. سردی گور را با گذاشتن چند سنگ قبر حل کرد.
 . اگر نیروی جاذبه نبود ، ما فواره نداشتیم
 . پای غم وقتی به خانه ما باز شد که صاحب خونمون آخوند شد.
 . از ثمرات انقلاب این بود که مردم چند کاره شدند
 . آدم خاک بر سر باید مرتب دوش بگیرد
 . چهل و دو سال است که ادای نفس کشیدن را در می آوریم
 . باد الهی را بالاخره باد میبرد
 . در معامله اسلحه به طرفداری از مردم کشورش ، سلاح ها را به دشمن
 گرانتر فروخت
 . از آچار دوسر بخاطر عجیب الخلقه بودنش میترسد
 . عقربهای امروزی از روی غریزه نیش نمی زنند ، کارشان جنبه تفنن
 دارد
 . سبک مغزیش باعث شد تا باد او را ببرد
 . در بازی سرنوشت ، برنده کسی است که دست به تقلبش خوب باشد
 . قطره باران بخاطر اینکه شنا بلد نبود وارد دریا نشد
 . برای صرفه جوئی در هزینه سنگ قبر خواستم چیزی روی آن ننویسند
 . در کارخانه سنگ بری یک تابلو نصب کرده بودند که مناسبت داشت :
 لطفا سکوت را مراعات کنید
 . تا پلک هایم را باز نکنم ، نگاهش حق ورود به چشم هایم را ندارد

. خواب ، منع رفت و آمد (حکومت نظامی) نگاه بداخل چشم است .

. از سوی سیاست بازان ، شجره ای دال بر داشتن پدر و مادر و با اصل و نسب بودن سیاست ارائه داده شد

. چهل و دو سال است که روزنه امیدم را گل گرفته اند

. نگرانی از تصادف بخاطر نداشتن بیمه بود ، نه قطعی پایش

. محتوای برنامه مهم نیست با خواهش میشود ببینده و شنونده جمع کرد

. عزرائیل به آنهاییکه خودشان را بمردن زده اند کاری ندارد

. برای بالا بردن سطح فکرش ، اسلحه را به سمت خود گرفت

. آنهایی که منکر پیشرفت در جمهوری اسلامی هستند ، چه پاسخی در قبال پیشرفت از الاغ سواری به بنز سواری دارند که بدهند؟

. همواره تصورش از روزنامه ، روزی نامه است

. از آزادی ، تنها اسم فامیلش را دارد

. زمان شاه تیر چراغ برق را می کاشتیم سبز میشد . امروز هر گل و درختی میکاریم خشک میشن

. فواره مغرور پائین بیا نیست

. بیشترین مصرف دارو در ایران برای قرص خواب آور است

. 1400 سال است که بسیاری از مردم چاه مستراح مغزشان را خالی نکرده اند

. در کمبود آب برای ماهی ها جیره بندی آب قائل شده

. بخاطر ضرر های بیشمار ناشی از خود بزرگ بینی ، چشم هایش را
کور کرد

. شگردش را عوض کرده . این بار فولکس را رنگ کرد و در پت شاپ
بجای قورباغه فروخت

. وقتی ذهنش به گذشته های دور سفر می کند ، درخواست حق ماموریت
و هزینه طول راه می کند

. چون هزینه گچ گرفتن دست شکسته ام زیاد بود خواستم آنرا کاه گل
بگیرند

. مردم ایران وقتی به بدبختی فکر می کنند ، می خندند

. چرا کسی بفکر کشتن عزرائیل نیست؟

. هر چه فکر کرد چه تفاوتی بین زنده باد ، مرده باد و پمپ باد وجود
دارد ، عقلش بجائی قد نداد

. از مشغله زیاد که خسته می شوم ، تمام موهای سرم را می تراشم تا
سرم خلوت شود

. آدم حساس ، خفقان را نه تنها در درزند ، بلکه در پس قلعه هم حس می
کند

. زمان شاه با تمبر ، سکه ، عکس هنرپیشه ها و پول کلکسیون درست
میکردیم ، امروز با غم و غصه

. بیرون شهر ، پاسدارها جلوی بهار را میگیرند تا وارد شهر نشود

. وقتی چشمم از فرط بی خوابی می سوزد ، حرارت آنرا حس می کنم

. آدم سنگین و موقری است . ترازو سنگینی او را بهتر نشان میدهد
 . پاسداران به اشتباه پرواز خیالم را با موشک زدند
 . پرواز خیالم بعلت نقص فنی سقوط کرد
 . ماهی ها در زندانی به بزرگی اقیانوس گرفتارند
 . برای آدم عاشق پیشه ، قلبش پر جمعیت ترین شهر عالم است
 . در سالگرد تولدتش همه بودند جز بهار
 . گل یخ را در فصل گرما باید در فریزر نگهداشت
 . از بس سفره دلش را پیش همه باز کرده ، دیگر در آن غذائی نمانده
 است
 . موقع گفتن شرح حالش گریه میکرد . علت را پرسیدند ؟ گفت : تا
 امروز نمیدانستم اینقدر بدبختم
 . بادکنک خیالش را از سر کنجکاوی با سنجاق ترکاند
 . در شب های پرستاره ، بهترین سرگرمی ام چیدن ستاره ها است
 . برای تشکیلات بی در و پیکر سیم خار دار نصب کرد
 . آدم دائم الخمر را خطر آتش سوزی تهدید می کند
 . سالها است که دوغ و دوشاب و شیر پاستوریزه معنی واحدی پیدا کرده
 اند
 . چون گشاد دستی اش به ضررش تمام میشد ، آنرا درز گرفت
 . بخاطر اسم و اسم فامیلش همه از او میترسند

. سیگاری قهاری است تا جائیکه سیاهرگهای شش او خون تیره به قلبش می آورند

. تا امروز نفهمیده ام چه کسی ابرها را سرپا میگیرد؟

. سابقا دو گونه اشک داشتیم ، اشک خوشحالی و اشک غم ولی چهل و دو سال است که تنها اشک غم چشم هایمان را مرطوب می کند

. خواستم قلبم را روی سنگ قبر معشوقم بگذارم ، متصدی گورستان مخالفت کرد.

. مدتهاست بین موهای سفید صورتم با موهای سیاه اطراف دستگاه تناسلی ام اختلاف عمیقی بروز کرده . موهای سیاه به هیچ وجه احترام موهای سفید را مراعات نمی کنند

. هفته ای یکبار برای ضبط سکوتم به استودیوی ضبط صدا میروم . وقتی خونش جوش می آید ، بخار آن از سوراخ های طبیعی بدنش خارج میشود .

. برای حل مشکلات خانوادگی اش ، حل المسائل خرید

. آدم مبادی آداب ، گره کراواتش را آنقدر سفت می بندد تا خفه شود

. وقتی دنده هایش درد میگیرد به مکانیک مراجعه می کند

. کوک ساعت پیش از خوابیدن مسواک میزند

. از آب حیات برای شستن سبزی و میوه استفاده می کند

. به او احترام میگذارند، چون اسمش احترام خانم است

. مرد گرم و سرد چشیده ای است . او در ضمن آشپز خوبی هم هست

. از وقتی زنگ ساعتش خراب شده ، از ترس بیدار نشدن نمی خوابد .
. وقتی اسمش را با مرکب سفید روی کاغذ سیاه نوشت ، مطمئن شد که
نامش در لیست سیاه قرار دارد
. برای تشکیلات بی در و پیکر ، نصب آلارم هم بی اثر است
. در شوره زار بلبل به عشق گل مصنوعی هم می خواند
. برای قلب تنگش تکه اضافی گرفت
. کسی برای ابراز عشق درخواست رسید نمی کند
. شب هنگام از دهانم واژه ای خارج نمی کنم چون آنها از سیاهی شب
میترسند
. مانده ام ، آخوند ها خورشید را به کدام اقلیم تبعید کرده اند
. از میخچه های پایش برای تعمیر میز شکسته استفاده می کند
. در درمان افراد کوتاه قد توصیه میشود از بازی کردن با آب و زیاد
حمام گرفتن خود داری کنند
. فقط اروپائی ها حق استفاده از آچار فرانسه را دارند
. در ایران ، آدم های گرسنه حافظ دین و ایمان هستند در حالیکه خود
سیر ها (ملاها و آقا زاده ها) دکاندار دین
. چرخ های عقب اتوموبیل اگر فرو تنی خود را کنار بگذارند ، به راحتی
میتوانند به چرخ های جلو برسند

. دلم برای بچه های ایران میسوزد که خاک بازی آنها تا آخر عمر ادامه دارد

. در پیدایش ادیان مختلف اولین حرف را از آفتاب پرست باید پرسید که پیش از انسان وجود داشته

. برای خرید آزادی به هر فروشگاهی که مراجعه کردم یک نداریم ، تمام شده شنیدم

. مامور آتش نشانی شد ، چون از آتش افروزی خوشش نمی آمد

. شهاب سنگ دل رنگین کمان را بد جوری شکست

. بر خورد شهاب سنگ به رنگین کمان باعث شد تا رنگین کمان دایره نشود

. خروس ها طرف مرغی که آبله مرغان گرفته باشد نمیروند

. جنگ و تنش و تحریم روزنه امید ملاها است

. خشک شدن ایران را بحساب بی کفایتی ملاها میگذارند در حالیکه این کار عمدی ملاها است تا تمام ماهی های ایران را بکشند

. از زمانیکه پای اسلام به ایران رسید ، خورشید فروزان کشورمان خاکستر نشین شد

. موقعی که سرما میخورم ، دستم با اکراه بینی ام را لمس می کند

. چهل و دو سال است که روی زبان مردم ایران فیلتر گذاشته اند

. عنکبوتی را دیدم که به مگس هائی که به او نزدیک میشدند اعلام خطر میکرد.

. میگویند معجزه وجود ندارد . من میگویم چه معجزه ای برتر از این که بشود یک مملکت را به چهارده سده عقب برگرداند

. برای تشکیلات بی در و پیکر ، گذاشتن توری آخرین راه علاج است

. فرد فروتن را از روی سوراخ های متعدد بدنش میتوان شناخت

. برای گرفتن حقوق سر برج رفتم ، از اون بالا پائین افتادم

. چون اسمش آزاده بود ، ماموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بیست و چهار ساعته او را تحت نظر داشتند

. برای ایرانی بود و نبود خورشید یکی است

. عنکبوت برای مگس بدام افتاده ای که حجاب نداشت ، روسری بافت

. بازار آزاد بر خلاف اسمش مکانی است برای اجحاف و به بند کشیدن

. چه خوب میشد که قسم حضرت عباس را با دم خروس تواما قبول میکردیم

. موفقیت در کسب را مرهون معامله نکردن با هموطن میداند.

. آنقدر در خودم فرو رفتم که از طرف دیگرم بیرون آمدم

. برای گوش سنگینش پرده لور دراپه خرید ، مشکش حل شد

. سازش کاریش به علت ارثی است که برده ، نه پشت کردن به آرمانهای مردمش

. بخاطر خنثی کردن فشار درونم ، من از روزنه امیدم گریه می کنم

. نمیدانم خروس باید به پیامبر اسلام مباحات بفروشد یا پیامبر به خروس؟

. ماموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی برای استراق سمع از
سمعک استفاده می کنند

. در ایران اسلام زده زمان غنچه و گل بودن به یک چشم بهم زدن سپری
میشود

. برای تشکیلات بی در و پیکرش از مقوا و نایلون استفاده کرده بود
. عقد پسر عمو و دختر عمو را در آسمان بسته اند تا در روی زمین
نبنند

. گلبولهای سفید و قرمز خونم با ترس از دریچه های مصنوعی قلبم
عبور می کنند

. وقتی سیل می آید که ابرها با هم دست به یکی کرده اند

. وقتی ابری در خودش می بارد ، سیل جاری میشود

. وقتی ابرها حال جمع شدن ندارند، خشکسالی میشود

. ایکاش اعتیاد ما به آزادی مثل اعتیاد ماهی به آب بود

. از دل کندن بخاطر خون ریزیش میترسد

. جوجه تیغی ؛ حیوان تلکه کن و تیغ زن

. رنگ کار خوبی است . تخصصش در تغییر رنگ سالهای سیاه عمر
افراد است

. هندوانه ای که زیر بغلش گذاشتند پاره کرد ، کال بود

. از وقتی بدبخت شدیم که شیشه عمر خود را دست آخوند دادیم

. شیشه عمرم را زمین زدم ، یک تکه اش رفت تو چشمم و کور شدم

- . بخاطر خوش رقصی ، قهرمان اول فستیوال هنری شد
- . هنر اکثر ایرانی ها در خوش رقصی است
- . متصدی آسانسور آنقدر بالا و پائین کرد که هر چه خورده بود بالا آورد
- . تشویق هم آغوشی میله های قفس بهم موجب آزادی پرنده میشود
- . بیضی ، دایره تحت فشار
- . تغییر وزن شعر را با ترازو اندازه گرفتم
- . تمیز تر از ماهی موجودی را پیدا نمی کنید که همش زیر دوش آبه
- . ماهی از آب تنی خسته نمیشه
- . دامن لکه دار را با بلیچ نمی توان پاک کرد .
- . انحراف از جاده عفت نیاز به راهنما زدن ندارد. همه متوجه میشوند
- . پس از مهاجرت به آمریکا ، چراغ دانش خود را از برق 220 ولت به 110 تغییر داد
- . برای بسیاری از ایرانیان مهاجر چراغ دانش آنها با برق 110 ولت روشن نمی شود
- . اگر خط استوا نبود، کمر بند زمین را کجا می بستند؟
- . از بس مار خورده ، حالش از هر چی مار است بهم میخورد.
- . اختلاف طبقاتی را با نگاه کردن به آسمان و دیدن ابر های پاره پاره فهمیدم

. خمینی نقطه روی رحمت ایرانیان بود .
. کسی که بما نریده بود ... کلاغ کون دریده بود. خواستم با عزرائیل
عکس یادگاری بگیرم، قبول نکرد.
. اگر قوه جاذبه نداشتیم ، آشناری در کار نبود
. چهل و دو سال است که مردم ما بهار را در گلدانهای پشت پنجره خود
میکارند
. از ثمرات انقلاب 57 خود کفائی مملکت در امر داروسازی است ؛
قرص ، شربت ، آمپول و شیاف شهادت !
. در ایران اسلام زده از آمبولانس برای گشت زین العابدین بیمار استفاده
می کنند.
. کشتن احساس منع و پیگرد قانونی ندارد
. از کسی که جنسش شیشه خرده داشت به اتاق اصناف شکایت کرد
. مگر میشود که آدم دلمرده راه برود ؟
. چون دلش آرام میزد ، اسمش را گذاشتند دل آرام
. عمر فضای باز سیاسی پس از انتقال قدرت به ثانیه هم نمیرسد
. مار گزیده از هر ریسمان و بهر رنگ میترسد
. از ترس بسیجی ها چادر کمپینک را بسرش کشید
. دل درب و داغونش را پیش صافکار برد
. ناف ، نشان باقی مانده از یک سوراخ بی مصرف و زائد

. ناف ، نشان راهنمایی و رانندگی ... به تونل نزدیک میشوید .
 . در ایران اسلام زده نور چراغ قوه از خورشید بیشتر است .
 . مردم ما سالهاست سوت بلبلی را بجای صدای واقعی بلبل پذیرفته اند .
 . یک زمانی صحبت از روح و جسم بود . امروز هشتاد و پنج میلیون
 جسم بدون روح در ایران آخوند زده درحال تردد هستند
 . الله اکبر ، ترسناکتری واژه سده ها
 . در جمهوری اسلامی از ماشین های مینی ماینر برای گشت های علی
 اکبر و علی اصغر استفاده می کنند
 . صدای شکستن احساس و قلب برای دل شکسته آشنا است
 . میگویند : آدم دلداری و جگر داری است . مگر میشود بدون دل و جگر
 بود و زنده ماند؟
 . درخت دانشش بعلت عدم مطالعه خشک شد
 . پاتو لوژیست ها به راحتی میتوانند دل هرکسی را به دست بیاورند
 . فریب خوردن را در رده غذا خوردن قرار داده ایم
 . در سقوط سنگ علیرغم هشدار که گفتند سرت را بدزد کشته شد ، چون
 از دزدی خوشش نمی آمد
 . کسی که صدای شکستن احساس را نشنود باید برای معاینه گوشش نزد
 متخصص گوش برود
 . چون از دامی زندگی کردن خسته شده بودم روحم را از جسم تبعید
 کردم

. مردم ما خدا خدا می کنند تا روز نشود تا آنها هم چنان در خواب باشند
 . طنز نیشدار را زنبور و عقرب بهتر درک می کنند
 . آدم دلخور ، تمایلی به خوردن قلوه و دنبلان ندارد
 . شرمسار : پرنده خجالتی
 . بیشترین استقبال از خراب شدن دیوار برلین از سوی کسبه برلین غربی
 بود
 . میگویند هر چقدر پول بدهی آتش میخوری . من میگویم ده لار میدهم و
 در بعضی رستورانهای آل یو کن ایت آنقدر میخورم تا بترکم
 . وقتی در آینه نگاه می کنم ، متوجه نگاه ترحم آمیز تصویرم می شوم که
 بمن نگاه می کند
 . علت نامه ندادنش این بود که می خواست مفصل بنویسد و هیچگاه این
 وقت را پیدا نمیکرد
 . سیم خار دار حاصل ازدواج مار با جوجه تیغی است
 . با حلق آویز کردن عزرائیل توانست از ایران بگریزد
 . برای بریدن شیشه عمرم از الماس شیشه بر استفاده می کنم
 . فرق بین انسان با چهار پایان تنها در نحوه راه رفتن آنها است
 . سطل زباله برای گل خشک شده مراسم یادبود گرفت
 . قطره اشکم را به باران سپردم ، سیل آمد
 . هر روز عزرائیل را ملاقات می کنم و دلم خوش است که زندگی
 میکنم

. در روز های بارانی به گذشته ام فکر نمی کنم چون خاطراتم نم می کشد

. برای سکوت دانستن زبان ضروری نیست

. وقتی می خواهم از شعورم انتقام بگیرم پای منبر می نشینم

. بزرگترین لطف در حق یک مسلمان این است که اسلام را از او بگیری

. با قبول اسلام اندیشه و شعورش را شقه کرد

. برای عیادت گل خشکیده رفتم ، گفتند دیر آمدی دیروز تمام کرد.

. زندگیم مثل سوزن خیاطی است . در حالیکه همه چیز را بهم دوخته و نزدیک می کند ، ولی خودش تنهاست

. داستان زندگیم درست مثل یک فیلم سینمایی است که هنگام نمایش آن ، لامپ آپارات سوخته باشد

. خستگی مزمن من بخاطر این است که در خواب هم کار می کنم

. بزرگترین منت او بگردن ما این بود که جواب سلام ما را میداد

. بخت سیاه را با بلیچ نمی توان سفید کرد

. از سیاست مداری علت خیانتش به مردم و کشورش را پرسیدند ، پاسخ داد تنها عامل خیانت دلار هجده هزار تومان است . دلیل دیگری ندارد

. از گوسفندی پرسیدند : چرا باید شاه برود؟ پاسخ داد : نمیدانم ... امام گفته باید برود .. باید برود

. انقلاب از سر سیری رودل می آورد

. قطره اشکم را به اقیانوس دادم ، سونامی آمد

. رمز زنده ماندن ایرانی نزدیکی به مرگ است
 . وقتی عرق میخورم ، معده ام برای کبدم چاقو می کشد
 . وقتی عرق میخورم ، مقعدم بد دهنی می کند
 . با زندگی کردن در ایران اسلام زده ، قدر مرگ را می دانیم
 . وصیت کرده ام ، به هنگام مردن برای صرفه جوئی در هزینه دفن
 کسی را با من خاک نکنند
 . چه حکمتی در این کار وجود دارد که ریش را همواره به قیچی می
 سپارند
 . وقتی ریش را به قیچی سپردم با اعتراض شدید تیغ مواجه شدم
 . با آنکه بکرات از خورشید برای صرف شام دعوت کرده ام ، هر بار با
 بهانه ای به درخواستم جواب منفی داده است.
 . گریه چیز بدی نیست . اگر ابر گریه نکند که خشکسالی میشود
 . کرونا صاحب بزرگترین آلبوم عکس دنیاست . او تا با بحال با هفت
 میلیون تن عکس یادگاری گرفته
 . باغچه از ورود قطرات باران بدون ماسک جلوگیری می کند
 . قطاری که از تاریکی بترسد ، وارد تونل نمی شود
 . غم انگیز ترین داستان عاشقانه جهان را ریل های راه آهن نوشته اند
 . وقتی عکس خودم را داخل آب می بینم ، چون شنا بلد نیستم دنبال نجات
 غریق میگردم .
 . چون با کمبود آب مواجه است ، با تیمم صورتش را می شورد

. شب ، بهنگام غروب ، بدون زحمت خورشید را ضربه فنی می کند .
. نوروز امسال وقتی بهار ماسکش را بر داشت ، چهره زمستان را دیدم .
. سالهاست که خبری از عمو نوروز نیست . میترسم که آخوند ها او را
تبعید کرده باشند

. از وقتی که به گل رز گفتند گل محمدی ملاح و ظرافت و طراوتش را
از دست داد

. از سیاست مداری پرسیدند : علت خیانت تو به کشور و مردمت برای
چیست ؟ جواب داد : علت خاصی ندارد ، نوکری در خانواده ما ارثی
است

. ریشه های گوساله پرستی را از مراسم تشیع جنازه احمد خمینی بخوبی
میتوان دید

. پس از بارانهای سیل آسای 57 ، ستونهای اعتقادی اش سست شد .
. دل گرمی ما موجب پشت گرمی شماست . شعار بو دار .

. کسانیکه بوریا نشینی را توصیه می کنند ، ارقام حساب بانکی آنها در
خارج نه رقمی است

. دل نبستن به مال دنیا ، شعاری است که از کیسه پر پول سرمایه دار
خارج میشود

. آخوند با فروش آخرت بما ، دنیا را برای خودش می خرد .
. کلنجر رفتن با ذهن را مدیون راه بندانهای فری وی میداند .

. ایکاش اصلاحات ارضی یازده آبادی خمینی را نگرفته بود تا فتنه ای در سال 57 اتفاق نمی افتاد

. از وقتی بلیچ آمده ، کسی سراغ آب کوثر نمی رود

. اقیانوس تشنه از رودخانه طلب آب می کند

. هنر آخوند در نوشتن صفحات سیاه تاریخ ماست

. برای رفع تنهائی ، روزی چند بار بخودم زنگ میزنم

. حق خوری سابقه 1400 ساله دارد

. هر سال موقع تولد ، برای خودش گل می فرستد

. بیکسی اش را وقتی تجربه کرد که به خانواده اش فکر کرده بود

. از بس جنسش شیشه خرده دارد ، اضافی آنرا در سطل ریسایکلین می ریزد

. دستگاه فشار سنج برای اندازه گیری فشار زندگی سگی بیش از پنجاه درصد مردم ایران توسط دانشمندان سپاه پاسداران ساخته شد.

. وقتی آبروی ما در سطح جهان ریخته شد که سپاه پاسداران با سنج عزاداری و فلز یاب دستگاه ویروس یاب ساخت

. مرده ها از صدای پایکوبی و موزیک بلند مرگ بیدار شدند

. زمستان گل کاغذی به سینه اش زده بود

. اگر خورشید نبود با بی سایه بودن چگونه کنار می آمدیم

. شکاف آب بخاطر آبشار است

. عزرائیل از دست کسانی که خودکشی می کنند، گنج شده است .

. وقتی بمردن فکر می کند، بی اختیار شروع بخواندن می کند ... امیدم را مگیر از من خدایا خدایا

. درخت دانشش را با عرفان پیوند زد ، خشک شد .

. الکی خوش بودن نعمتی است که کمتر نصیب افراد میشود .

. از جهنم هم میتوان بهشت ساخت . لاس و گاس نمونه آنست .

. در حقیقت این حاتم طائی بود که راه چاپیدن کشورمان را به خارجی ها نشان داد

. عقب بردن یک مملکت به 14 سده پیش معجزه است ، یا نوشتن دری وری نامه ای بنام قرآن؟

. از درخت دانش توقع چیدن توت افغانی دارد .

. تازگی ها مرگ برای اینکه کسی از دستش فرار نکند، از در پستی وارد میشود. آنهم بدون گفتن یا الله

. وقتی مرگ گفت : یا الله . حاجیه خانم کاری که کرد این بود که چادرش را بسر کشید

. شکوفه ، قطره آبی که در منقار پرنده بود را قاپ زد .

. مرگ بر خلاف پستی زنگ نمی زند

. از الله هیز تر و کثیف تر موجودی نیست . پوشش زنان نمازگزار گواه این ادعا است

. وقتی فرو تنی ام را کنار گذاشتم ، سر ضرب آنرا بلند کردند

- . وقتی ستم دینی را دیدم ، ستم شاهی را ستودم
- . اعتیاد به خستگی روز به روز در من زیادتر میشود
- . با دیدن گوسفند از زندگی بیزار میشوم
- . تاریخ ملل را در چند صفحه میتوان نوشت بشرط اینکه از مذهب نامی نبریم
- . تاریخ راستین کشور ما تنها یک رویه دارد . منشور حقوق بشر کورش بزرگ
- . غل و زنجیر فلزی دردی بمراتب کمتر از غل و زنجیر مذهبی دارد
- . خیلی ها حقیر تر از کرم ابریشم هستند . کرم ابریشم پیله اش را پاره می کند و با پرواز به آزادی میرسد، اما برخی از مردم به ماندن در پیله باور های مومیائی – مذهبی خود دلخوشند. آنقدر در آن پیله میمانند تا بمیرند
- . بهترین موضع حمله، سنگر امن دشمن است
- . گلها به مرگ طبیعی نمی میرند
- . هیچ تفاوتی در کلاه گذاشتن و کلاه بر داشتن نیست
- . برای کسی که کلاه ندارد ، کلاهش را از سر بر نمیدارد
- . داوران به جان کندن او نمره هشت دادند
- . چند سالی است که از گریه مردم ایران سیل جاری میشود
- . وقتی ظرفیت خنده ام پر میشود ، گریه می کنم
- . چهل و دو سال است که مردم ما بین جهنم و دوزخ زندگی می کنند

. در ایران اسلام زده فاصله بین مرگ و زندگی چهار انگشت است
 . برای اینکه پس از مرگ ، همسرش بیاد مهربانی های او غصه نخورد
 روزی دوبار زنش را کتک میزند
 . از ایستادن بین مرگ و زندگی خسته شده ام
 . فرق بین آدم پولدار با فقیر در غذا خوردن است . فقیر نگران یافتن غذا
 است و پولدار نگران اضافه وزن ناشی از خوردن غذا
 . چون قابلمه گرم بود، دست بر قضایش سوخت
 . با دست بر قضا چند هندوانه بلند کرد
 . بیاد ندارد به همسرش خیانت کرده باشد. با هرکسی که آشنا میشود او
 را پروانه صدا می کند
 . در جهنم ، شرکت تاسیسات مطبوع باز کرده
 . پیشنهادش مبنی بر ساختن کارخانه تولید آمونیاک در آرامگاه خمینی
 پذیرفته شد
 . در چهار چوب مذهب ، علم پیشرفتی ندارد
 . سنگ پای قزوین تنها در فیضه تدریس می کند
 . تفاوت حمله یک سردار جنگی با یک پیامبر در نحوه عمل شیر و
 روباه گونه آنست
 . با ایده لوژی بهتر میتوان دزدی کرد
 . سید علی خامنه ای با پر های بوقلمون برای خودش تاج شاهی ساخته
 است

. هر کجا آخوند هست ، چند برابرش نفهم وجود دارد .
 . روشنفکر با جهالت می جنگد و آخوند با دانائی . به نظر میرسد آخوند موفق تر است .
 . با ورود آخوند هابه ایران در سال 57 ، علم ، تن به خود تبعیدی داد .
 . چون تیشه نداشت ، ریشه ام را با اره برقی قطع کرد .
 . بسیاری از رسانه داران لس آنجلسی ، نان از بغل آخوند ها می خورند .
 . اگر جمهوری اسلامی نبود، رسانه داران لس آنجلسی از گرسنگی میمردند ، چون کار دیگری بلد نبودند .
 . نفس راحت را به هنگام مرگ میتوان کشید .
 . تنگی نفس باعث شد تا مرده را در قبر نگذاشته و بسوزانند .
 . با تیر غیب به زندگیش پایان داد .
 . در فرهنگ لغات نوشته بود : ترکش به معنای کشتی است که آنرا خیس کرده باشند
 . آزادی موهبتی است که هیچگاه نصیب گوسفند نمی شود
 . برای ترک اعتیاد به الکل و مواد مخدر درمان وجود دارد ولی برای ترک اعتیاد به مذهب هنوز درمان قاطعی پیدا نشده
 . شیعه مخرب ترین سلاح کشتار همگانی است که در زرادخانه جمهوری اسلامی نگهداری میشود
 . بزرگترین موفقیت در امر دست یابی به آزادی از گپ های دوستانه همراه با وافور کسب میشود

. دموکراسی ، حربه دست اقلیت برای چاپیدن اکثریت
 . پیش از انقلاب می گفتند : دیو چو بیرون رود فرشته در آید . اما مردم
 ما دیدند که فرشته بیرون رفت و جاش دیو آمد. اینو میگن بینش !!
 . با مزه ترین واژه در فرهنگ کاریکلماتور : جامعه بی طبقه توحیدی
 . جامعه بی طبقه توحیدی را در قصر های شمال تهران و بنز های ضد
 گلوله آخوند ها و ساکنان حلب شهر شور آباد پیدا کرد
 . می خواستم پیام تسلیت بنویسم . خودنویسم را با قطرات اشک پر کردم
 . با اشکهایم دوش میگیرم
 . برای گرفتن شوری اشکهایم ، فیتلر خریدم
 . زندگی می کند ، چون از خودکشی میترسد
 . زندگی می کند ، چون گفته اند : خودکشی حرام است
 . شب ، با برآمدن آفتاب بخواب میرود
 . اگر پنجره نبود ، تحمل سنگینی دیوار های اتاق غیر ممکن بود
 . از مرحم نامردی برای زخم پایش استفاده کرد
 . خودم را در کفن دیدن خاک وطن پیچیدم
 . چهل و دو ساله که ریشه ام را در آب نمک گذاشته ام
 . وضع حمل بیهودگی از بطن تنهائی نیاز به متخصص زنان ندارد
 . از هر عضوی نشانی قلب گمشده ام را گرفتم ، اظهار بی اطلاعی
 میکردند.

. بابت قسط عقب مانده خانه ام ، چند نوشته و مقاله فرستادم ، مورد قبول واقع شد.

. با دیدن هنرمندان امروز وطنم بی اختیار یاد فواره می افتم

. از نردبان دی ان ا افتادم ، کدان ژنتیکی ام بهم ریخت

. معلم آناتومی از تنه به عنوان گردنکش یاد میکرد

. سنگینی او از متانت نیست . بخاطر پاره سنگ هائی است که مغزش بر داشته است

. اگر پاکان ما آخوند ها هستند ، پس ناپاکان ما چه کسانی هستند؟

. چهل و دو سال پیش در بازی شیر و خط خدا برای ایرانی خیط آمد

. تا بحال دیده نشده که شبی روی گل آفتابگردان بنشیند

. عقیده داره ، تعصب قل دوم توحش است.

. باغچه از صدای رستن گلها نمیتونه بخوابه

. نادانی بشر را در عدد 124000 خلاصه کرد

. وقتی گرگان دستار بند به قدرت رسیدند ، تصویرش از جامعه ایران ، جامعه گوسفندی بود

. یک دین و مذهب مثال بزنید که پوست زن را نکنده باشد

. آدم تخمداری است . مغازه لبنیاتی دارد

. بزرگترین بخش قفس در ورودی آنست.

. برای دیدار خودم در آینه وقت قبلی نمی گیرم

. چرا میگویند خالکوبی ؟ نمی گویند تصویر و نوشته کوبی .
 . آدم برفی به خورشید ، کینه دیرینه دارد
 . قطاری که می خواست خودکشی کند از تونل خارج نشد
 . آب داخل ناودان گیر کرده بود
 . با دست کاری پرگار توسط آخوند ها ، این اسباب بجای دایره ، بیضی
 می کشد
 . وقتی یک شکم سیر گریه کردم ، آب اقیانوس بالا آمد
 . نان سازان را به ترانه سازان و آهنگسازان امروزی اضافه کنید
 . ایمنی بیشتر را در سایه جستجو کنید
 . از گزمه ، درخواست گز مغز پسته ای میکرد
 . عقیده دارد چهل و دو سال ، زمانی است کافی برای اعتیاد به نومیدی
 . چون حرفی نداشت که بزند ، چشم بصیرتش را بست
 . با چشم بصیرت هم میتوان چشمک زد
 . وقتی احساسش را زیر پا گذاشت ، تعادلش بهم خورد
 . دیوار و در خانه ، نشانه های عدم امنیت هستند
 . در نظام آخوندی ، شادی را جیره بندی کرده اند
 . کمتر کارگردانی را در سینمای جمهوری اسلامی سراغ دارید که تمایل
 به دیدن ساخته خودش داشته باشد.

. فشار سنج همه کاره ، فشار هوا ، خون ، زندگی ، فقر ، اعتیاد ، فحشاء ،
 محیط و مذهب را اندازه میگیرد
 . دست تشنه ام رطوبت شیشه نوشابه را نوشید
 . از فرط تشنگی ، خون خودش را می نوشد
 . وقتی هواپیما اوج گرفت ، قد مسافران اندازه عروسک شد
 . راه عبور دیکتاتوری از تنگه دموکراسی است
 . گوسفند حق دیدن خواب آزادی را ندارد
 . یک مبلغ مذهبی پیدا کنید که به روز جزا اعتقاد داشته باشد؟
 . دیکتاتورها با وجود هزاران آزادیخواه راحتتر می خوابند
 . زندگیم ، جزیره ای است که تنها یک ساکن دارد
 . چند سالی است بجای ریزش باران ، خیزش باران داریم
 . از ابر افاده ای توقع باران نباید داشت
 . وقتی آخوند داریم ، چرا روباه و کفتار را بدنام می کنیم
 . از وقتی کنار گورستان خانه خریده ، امیدش را از دست داده است.
 . زیر آوار اندیشه اش جان داد
 . در جهان بینی شکمی ، تمام پرسش ها بر محور زیر شکم است
 . ذهن زخم خورده ام را به بخش پانسمان بردم
 . برای هالوین ، روی در نقاب خاک کشید
 . سرگرمیم در قبر ، اندازه گیری غلظت تاریکی و تنهایی است

. برای نود و نه درصد مردم دنیا هستی مادی ، بهتر از هستی معنوی است

. هر ساله هزاران تن در مرداب تهمت و ناسزا غرق میشوند

. کتاب زندگیم را ورق میزدیم که خوابم برد

. کتاب زندگیم را ورق میزدیم ، خیلی از صفحاتش را موش خورده بود

. تولد و مرگ یک هنرمند ، اندیشمند و دانشمند برای روزنامه نگار ارزش واحد دارد

. برای تشریح شعر های نیما ، آنها را به پزشکی قانونی بردم

. اندیشه های فقیر را با کامپیوتر و ورلد پروسسینگ نمی شود پر توان ساخت.

. برای اینکه به نوشته هایم تندی به بخشم ، به آنها فلفل میزنم

. سقوط ، سرود رسمی جمهوری اسلامی

. دی وی دی خانه ام پس از نمایش چند فیلم سکسی ، تلویزیون خانه ام را راحت نمیگذارد

. وقت پول نیست که کار می کند ! با الله اکبر میتوان بنز ضد گلوله هم خرید.

. برای اجرای نقش حوا ، راضی کردن بتول آسان بود ، ولی برای نقش آدم ، هر کاری کردیم ، خمینی راضی نشد.

. با ادویل و اسپیرین درد بی وطنی تسکین پیدا نمی کند

. وقتی پنجره را باز می کنم ، سکوت اتاق را ترک می کند

. ماهی ، قلاب ماهیگیری را دور کمرش بست
. برای مردن نیاز به انتظار نیست ، کافی به مقام تخمای رهبری توهین کنید.
. چهل و دو سال است که مردم ما در خودشان غروب کرده اند
. کلاس موسیقی جائی است که به شما آموزش میدهد ، سرنا را از سر گشادش نزنید .
. وقتی صدای پایت را در گوشم می شنوم متوجه میشوم با کفش داخل شده ای ، یا بیرون در کفش هایت را در آورده ای
. آسانسورچی بازنشسته از پلکان برای بالا و پائین رفتن استفاده می کند
. زمین سیاره غمگینی است ، اشکهایش چهار پنجم سطحش را پوشانده است.
. بین هیچ من با هیچ خمینی اختلاف از زمین تا آسمان است
. تنها هنگام پرواز بیاد خدا می افتد
. آدم پر حرف به افراد کر هم رحم نمی کند
. سلاح بد بینی برای مقابله با آدم دوپا کافی نیست
. در سور عزای من ، خوشحالی و اندوه کنار هم نشسته بودند
. بعضی از نوشته ایم ، تنها ارزش یک بشقاب پلو دارند
. آدم خوشبختی است . به طنز دیگران هم اعتیاد دارد
. حباب خاطراتم را با هیچ پر کردم ، ترکید

- . دست هائی که با محبت فشرده بودم زیر و رو غنی بود.
- . نقش حقیقت در آینه همیشه کدر و مات است.
- . تلخی ذهنم ، حالم را بهم زد
- . ذهن خسته ام را به مرخصی فرستادم
- . به ذهن درگیرم ، دستبند زدم
- . برای سالها نوشتن ، تنها چیزی که بمن دادند ، هیچ بود
- . از بس گریه کردم ، تقدیر نامه ای از سوی ابر بمن دادند
- . وقتی راجع به ایران سؤال می کنم ، میگویند : مملکت در امن و امان است و جای هر گونه نگرانی باقی!
- . آدم عاشق پیشه در بین وسائل نقلیه عمومی به اتوبوس و مینی بوس علاقه خاصی دارد.
- . نمیدانم چرا به اوول و اسپرم میگویند : ژنده ؟
- . از او آدرس توپخانه را پرسیدم ، آدرس انبار سازمان تربیت بدنی را داد
- . مبلغ مذهبی انسان ، آخوند است و مبلغ مذهبی حیوانات ، آخوندک
- . از او آهن قراضه خواستم ، برایم پیر آهن آورد
- . وقتی میگویند تکبیر ، او آبجو شمس می آورد
- . وقتی بر بال ابر سوار میشوم ، کمر بند ایمنی ام را می بندم
- . آخرین ستاره کهکشان ، ستاره بخت منست

. سلولهای تنبل مغزم ، حق ارتقاء به کلاس بالاتر را ندارند
 . در موسیقی ، بهشت زیر پای پیانو است
 . زنبورک : ساز فقیر
 . با تلسکوپ هیک هم نتوانستم ستاره بختم را پیدا کنم
 . از شدت تنهائی با سایه خودم بازی می کنم
 . تنها سایه ام مرا می فهمد
 . سر مسئله زن با سایه ام اختلاف نظر دارم
 . مطبوع ترین خواست زندگی برای خیلی ها ، خوابیدن است.
 . دریا ، رطوبت تنم را کشید
 . عجیب نیست ! همه در تاریکی گم میشوند ، من در روشنائی
 . سنگینی شب او را به سرفه می اندازد
 . برای اینکه سنگینی شب را روی سرش حس نکند ، همیشه زیر تخت
 می خوابد
 . چون خوابش سنگین است ، تختخواب فلزی خریده
 . تمام افراد مبتلاء به اکرو مگالی ، سر سنگین هستند.
 . عرض حالی که من می نویسم بالای پنج متر است.
 . درختی دیدم که دولا شده بود و میوه های زیرش را جمع میکرد
 . درخت برای اینکه میوه های رسیده اش نیفتند ، آنها را با نخ به شاخه
 هایش بسته بود

. پرنده تنها و گوشه گیر تنها دنبال درخت یک شاخه می‌گردد .
 . به اتاق خواب می‌گوید : زور خانه
 . در اسلام ، گاو بازی گناه کبیره است . باید گاو را کشت و پول آنرا به صاحبش داد .
 . با مالیدن خودش به سپر ماشین ، اوقاتش را سپری می‌کند
 . با دیدن روباه بر بالای منبر ، مرغ و خروس هایش را از مسجد دور کرد
 . اگر سه قوه منطق، تجربه و دیدن را داشتیم ، دیگر نیازی به 124000 پیامبر نبود.
 . سده هاست که قوه منطق ، تجربه و دیدمان خالی شده و نیرو ندارد
 . براستی در خلقت عالم، اول مرغ بود یا تخم مرغ ؟ صدرصد پاسخ این است : مرغ بود ، چون بعید بنظر میرسد که خداوند قادر متعال روی تخم خوابیده باشد .
 . از احمدی نژاد پرسیدند : جزایر لانگر هانس لوزالمعده کجاست ؟ گفت غرب جزیره انگلیس در جنوب آفریقا
 . زنبورها از گلها با شهد و عسل پذیرائی کردند.
 . کینه خمینی از رضا شاه باعث ویرانی ایران شد و کینه رجب اردوغان از کمال آتاتورک موجب ویرانی ترکیه میشود.
 . دنبال عدل اسلامی می‌گشت ، سر از بازار پنبه فروش ها در آورد.
 . فقط آخوند است که با خون وضو می‌گیرد

. در ایران ، زمستان سه فصل دیگر سال را بلعید .

. سیستم آموزشی ما ایراد دارد . همه چیز یاد میدهند جز آدم بودن .

. از سال 57 تا امروز کلام حق جایش را به دشنه و کلاشینکف داده .

. اگر انسان نمی مرد ، مبلغین مذهبی چی میخوردند ؟

. در پندواره یهودیان می خوانیم : ضد یهود کسی است که بیش از حد از یهودیان متنفر است . با این حساب ، من که از آنها کمی بدم می آید ، دوست جون جونی آنها بحساب می آیم.

. وقتی خمینی گفت : جمهوری اسلامی یا هیچ ، خیلی ها هیچ را بر گزیدند، ولی در تقلب انتخاباتی ، هیچ آنها حساب نشد.

. چون در ایران اسلام زده ، آینه تصویر واقعی مردم را نشان نمیدهد ، بازار راکدی دارد .

. زنبور بدون اجازه از والدینش از گل خواستگاری کرد .

. گل به درخواست ازدواج بلبل در اذای یک دهان خواندن او جواب مثبت داد.

. در ازدواج گل با پرنده ، کیتترینگ غذا با زنبور هاست.

. اگر بینی نبود خنده و گریه با هم قاطی میشدند .

. عمر گل انتظار دوبرابر گلهای دیگر است.

. برای اینکه آینه مرا ببیند ، پشت آن می ایستم.

. قطرات باران در ناودان سمفونی زندگی را اجراء کردند .

. شیشه عمر آخوند جنتی از جنس پیرکس است .

. وقتی جنس شیشه عمر نامرغوب باشد ، فرد زودتر میمیرد
 . مرد مسلمان چهار زن میگیرد که کمرش زیر بار تنهائی نشکند
 . پشه مهربان با نیشش مرا بیدار کرد
 . سیل سر بیابان را زیر آب کرد
 . عدل خداوند را تنها در حمایت او از مستکبران و فریبکاران میتوان دید
 . عقیده دارد ، بنیاد تمام ادیان بر اصل بیدادگری است
 . اشتباه شاه این بود که فرمانده سپاه شیرانش را به گوسفند ها سپرده بود.
 . صدور انقلاب به پول و ترور نیاز دارد
 . در سال 57 ، میلیون ها گوسفند بع بع کنان به جمهوری اسلامی آری گفتند
 . جامعه شوت و منگ پذیرای انقلاب از نوع اسلامی آنست
 . منظور از جامعه بی طبقه توحیدی ، ساختمان یک طبقه بدون امکانات رفاهی است
 . رندانه ترین معامله : بهشت مال شما ، دنیا مال ما
 . در شیشه عمرم شاشیدم
 . وقتی هندی گاو پرست را می بینم ، تشخیص اینکه کدامشان گاو است برایم مشکل میشود
 . موسی و عیسی و محمد با الهام از ساب میت روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه را برای باز کردن دکانشان انتخاب کرده اند

. در بین حیوانات تنها روباه ممکنست دعوی پیامبری کند
 . بهترین وقت شوی تلویزیونی را مسیحی ها و کلیمی ها گرفته اند. مابقی
 روز های هفته را بین سایر ادیان تقسیم کرده اند
 . برای قلبش تابلوی ورود ممنوع سفارش داد
 . با زنگ گوشش از خواب بیدار میشود
 . هر وقت هوس شکوفه می کند ، زیاد مشروب میخورد
 . برای آپاندیشش تابلوی بن بست نصب کرد
 . وقتی استفراغ می کند ، مری اش دو طرفه میشود
 . پس از پرو لباس ، کلاهمان توی هم رفت
 . از گفتن چشم کف پات ، بخاطر بوی بد پای معشوق منصرف شد
 . وقتی میگویند : شب چهار شنبه مال عایشه است . چطور میتوان شش
 شب دیگر را بین هفتاد و سه زن دیگر تقسیم کرد ؟
 . دل به دل راه دارد را در نقص خلقتی میتوان دید
 . میگویند زیارت باعث میشود تا استخوان ها سبک شوند . برای کاهش
 وزن ، هر روز به زیارت میرود.
 . از اخبار دنیا توسط شستم خبردار میشوم
 . درس اول آخوندی شیادی است که هر سال تکرار میشود
 . بخاطر رسوب روزنه امیدم بسته شد
 . روزنه امیدم را با لوله بازکن گشودم

. پیش از محمد ، اگر اعراب دختر های خود را زنده بگور میکردند حتما
محمد را ابو طالب زائیده

. پرنده مسلمان از آزادی بیزار است

. پرنده برای حفاظت بیشتر در قفسش آلارم نصب کرد

. میل لنگ ماشین ریش تراشیم برید

. روغن ماشین ریش تراشیم را هر سه هزار مایل یکبار عوض می کنم

. در عمق نگاهت سقوط کردم

. در نگاهت چنان فرو رفتم که نفسم گرفت

. آب حیات گازدار ، محصول جدید ساندیس .

. از رآکتور آب سنگین اراک برای ساختن آب شنگولی استفاده می کنند

. سرگرمی ریه ها ، تماشا کردن بازی قلب است

. از دیافراگم قفسه سینه اش برای جلو گیری از حاملگی استفاده می کند

. فلسفه روده پیچ در پیچ این است که کسی که چای داغ خورد ، کونش
نسوزد

. گل قالی تیغ ندارد

. باد برای بالا رفتن دنبال آسانسور می گشت

. با زن سرد مزاجش در سونا عشق بازی می کند

. احساس سردش را داخل ماکروویو گذاشت

. شب در لاس و گاس بی هویت شده

- . از ترس پاسداران و بسیجی ها ، بهار را در گلدان پنهان کرده بود
- . وقتی در عمق چشم هایت سقوط کردم ، پایم ضرب دید
- . پرنده غمگین از قطره های اشکش برای گل گردنبند ساخت
- . دریاچه رضائیه ، جسد آب را در خود بخاک سپرد
- . گل خود پسند ، فقط خودش را بو می کند
- . آخوند آمیزه ای است از روباه و سگ هار
- . ابراهیم ، پیامبر جاکش
- . اگر دستگاه تناسلی مردانه نبود ، اسلام ستون دین نداشت
- . در اسلام اصول و فروع دین با کمی تغییر شده : جماع، لواط و وطی
- . وقتی تقاصش را به حضرت عباس واگذار کرد ، عباس وکالتش را پذیرفت.
- . شانس می آوریم که آسمان خودش را تکان نمیدهد، وگرنه کلی ستاره روی سرمان می ریخت
- . در کویر لوت آب از آب تکان نمی خورد
- . با پیشرفت علم ، کار عزرائیل کساد شده
- . وقتی بلبل خواندنش را تمام کرد ، همه گلها به احترامش از جا بلند شدند
- . به سیفون توالت میگوید : اندک
- . شبنم با گام های مرطوب بسراغ گل رفت

- . رودخانه در دریا آب تنی کرد
- . وقتی می خواهم بدانم چقدر شانس دارم ، آنرا زیر میکروسکوپ چک می کنم
- . احساسم را در آزمایشگاه تجزیه کردم
- . برای تمرکز فکرم ، آنرا سانتریفیوژ می کنم
- . ذهن افسرده ام را به دیدن فیلم های چارلی چاپلین بردم
- . با عینک ذره بینی به خورشید نگاه کرد ، چشمش سوخت
- . با عینک آفتابی نمیتوان مهتاب را دید
- . برای باغچه خشک ، لوله ناودان لوله اکسیژن است
- . ناودان نتوانست قطره های درشت باران را از خود عبور دهد
- . لباس عافیت به تنش گشاد بود
- . چون پول نداشت از لباس عافیت پوشیده شده استفاده کرد
- . لباس عافیت خیلی بهش می آمد
- . اقیانوس آب اضافی اش را به رودخانه بر گرداند
- . اگر قوه جاذبه نبود ، نیوتن معروف نمی شد
- . گل بدون اجازه ، نوار و سی دی های بلبل را فروخت
- . برای پلیس آمریکا استفاده از چراغ قوه شب و روز ندارد
- . رودخانه برای دیدن اقیانوس صد مایل پیاده راه پیمود
- . گل های قالی رنگ دارند ولی بو ندارند

. چرا میگویند خر شانس ، شتر که بزرگتر از خر است ؟
 . یاسین به گوش خر خواندم ، خواهان مابقی سوره ها شد
 . کسی که عکس واقعی علی را دیده باشد ، متوجه میشود ؛ چرا در اسلام
 فرتور کشی پیامبر و ائمه ممنوع است
 . اسلام شناس خوبی است ، به ائمه اطهار میگوید ؛ ائمه اطوار
 . برای کال و یا رسیده بودن هندوانه آنرا فشار داد ، صدای آخ شنید
 . در مجلس ختم شرکت کردم ، خودم را ندیدم
 . برای پولدار شدن ، اسکناس هایش را مقابل آینه میگذارد
 . آخرین اولتیماتوم را به سایه اش که جلوتر از او حرکت میکرد داد
 . برای تنوع خورشید و ماه جایشان را با هم عوض کردند
 . در کمبود سنگ ، از سنگ کلیه اش استفاده می کند
 . آینه ای که فرد را خوشگلتر نشان بدهد باید قاب طلا گرفت
 . سیل ، پل بین من و خاطراتم را برد
 . در روز های بارانی ، خورشید به مرخصی میرود
 . شب مرا بیاد بختم می اندازد
 . آب زیاد ماهی را خفه کرد
 . پیش از سال 57 نقص حقوق بشر عامل سرنگونی شاه بود و پس از
 سال 57 عامل برقراری نظام آخوندی
 . در روز های بارانی ، جمجمه ام چکه می کند

. چون از تاریکی وحشت داشت ، ساکن لاس وگاس شد
 . زندگی کوهنورد در پستی و بلندی خلاصه میشود
 . آبروی ریخته شده را با خاک انداز جمع کرد
 . با فین کردن ، دماغ خود را سرویس می کند
 . نگاهمان را با چرخ خیاطی بهم دوختیم
 . در مجلس ختم ، عزرائیل دم در ایستاده بودو با کسانیکه آمده بودند
 دست میداد
 . چهل و دو سال است که درختان در ایران شکوفه سیاه رنگ میدهند
 . لاله سیاه در ایران خریداری ندارد ، چون رنگ تمام گلها سیاه است
 . برای پاک کردن زنگ دل از برس و اسید استفاده می کنم
 . با زنگ دلش از خواب بیدار میشود
 . آدم شارلاتان از عزرائیل بیمه عمر میخرد
 . ماهی برای کوهنوردی از آبشار بالا رفت
 . زنگ دلش را با ناقوس عوض کرد
 . سیستم کوکی زنگ دلش را با الکتریکی عوض کرد
 . پائیز درختی را که برگهای سبز داشت به اعدام محکوم کرد
 . سرگرمی خورشید بازی کردن با دم ستاره دنباله دار است
 . اگر عزرائیل بمیرد ، آدم ها همدیگر را میخورند
 . از نامردیها و نارو زدنها کلکسیون درست کرده است

. وقتی با خودم حرف میزنم ، سایه ام محل را ترک می کند
 . خودم را در خودم حبس کردم
 . چند روز مانده به سالگرد تولدم ، عزرائیل شناسنامه ام را دزدید
 . عزرائیل را سوار ماشینی دیدم که در تصادف موجب مرگم شده بود
 . چون به سایه ام اعتماد ندارم ، هیچگاه با خودم درد دل نمی کنم
 . مردم ایران با دسته گل به استقبال عزرائیل میروند
 . اگر نوار خالی خوانندگان بد صدا را بخريد ، آنها نوار پر نمی کنند
 . نفرت میله های قفس از هم ، راه آزادی را باز می کند
 . حمام کردن ماهی تمامی ندارد
 . قل یک ، عکس التراسوندش را نشان قل دو داد
 . ترس اینکه کسی کلید برق را خاموش کند باعث شده تا از نور بالا نرود
 . گل پژمرده را به اورژانس بردم
 . اقیانوس تشنه طلب آب شیرین میکرد
 . برای گل کاغذی تمام فصول بهار است
 . آب ، حکم اعدام گل کاغذی را امضاء کرد
 . رودخانه بخاطر روماتیسم نتوانست راه برود
 . مردم خرمشهر و آبادان احتیاج به سونا ندارند
 . برای سایه اش لیچ خرید
 . برای اینکه ثابت کند مرگ دست خدا نیست ، خودش را کشت

. وقتی دست به قلم میزنم ، دستم چرب میشود
 . ماهی مبتلاء به روماتیسم در ساحل آفتاب گرفته بود
 . گل ستاره را در باغچه خانه ام کاشتم
 . زمین وقتی به خورشید نگاه می کند ، عینک آفتابی میزند
 . وقتی دلم درد می کند ، از معشوق گله می کنم
 . تب و لرز زمین زلزله میسازد
 . بهترین سرگرمی ماهی های حوض بالا رفتن از فواره است
 . استخری که چند تا فواره دارد ، مجیک مانند ماهی هاست
 . ماهی ها زیر فواره دوش میگیرند
 . ماهی مودب در آب جیش نمی کند
 . اشک مصنوعی نشان از غم ندارد
 . از چشمان بابا قوری اشک گرم جاری میشود
 . سنگ قبر آدم گمنام نوشته نمی خواهد
 . سنگ قبر آدم جاه طلب دو طبقه است
 . سنگ قبر ، بهترین سنگ صبور اوست
 . برای اینکه سنگینی سنگ قبر مرده را ناراحت نکند ، از پلاستیک های
 طرح سنگ استفاده می کند
 . مرده هیز برای دید زدن به قبر های بغل نقب میزند
 . علت مرگ بخاطر کمبود هوای داخل تابوت است

. مرده با نکیر و منکر عکس یادگاری گرفت
 . آب حیات از تشنگی مرد
 . سلام به خدا حافظی اخطار داد
 . از گل نخواهید که استریپ تیز کند ، چون پرپر میشود
 . وقتی بهار را جیره بندی کنند ، همه جا را سبز نمی کند
 . رودخانه برای اینکه به باتلاق نرود ، به سرچشمه اش برگشت
 . برای رفع نفس تنگی میتوان از سنگ قبر سوراخدار استفاده کرد
 . وقتی میگوید ؛ اهل دلم ، نمیدانم کجا متولد شده
 . آب روی گل آفتابگردان دوام نمی آورد ، بخار میشود
 . قفس به تعداد پرنده هائی که گنجایش آنست در ورودی دارد و تنها یک
 در خروجی
 . وقتی روی صندلی دندانپزشکی نشستم ، اسکلت بدنم فرار کرد
 . متصدی بد عادت آسانسور از پله بالا و پائین نمیرود
 . درخت بازیگوش ، پرنده را قلقلک داد
 . سحر زمستان ، بهار است
 . فاصله بین خندیدن و گریستن ، تغییر زاویه گوشه لبهاست
 . برای عمرم شیشه دودی سفارش دادم
 . قطره اشکم را به خواستگاری باران فرستادم قبول کرد
 . شیشه عمرم را استریل کردم

. برای شیشه عمرم چون دری پیدا نکردم از تشنگ پیسی استفاده کردم
 . کپی ماشین از خودش کپی گرفت
 . هر وقت به آینه نگاه می کنم ، تصویرم بمن دهن کجی می کند
 . گل‌های بوته از خود راضی همدیگر را بو میکردند و به به می گفتند
 . چراغ قوه ام را که باطری اش تمام شده بود بخاک سپردم
 . در سرازیری قبر امتحان ترمز ضروری است
 . شهاب سنگ پس از سقوط در مزرعه پنبه دنبال مرکبم می گشت
 . لب خوانی آواز های اصیل توسط افراد کر و لال کار آسانی است
 . پشه مبادی آداب پس از نیش زدن به موضع نیش پماد بنادریل مالید
 . برای هندی های مقیم آمریکا ، عدد بعد از هفت ، یازده است
 . در بین افراد خواجه آروغ و گوز مشکل ساز است
 . برای اینکه زشتی های دنیا را نبیند ، خودش را کور کرد
 . آدم خوش خیال در بیابان سراب را بشکل آبشار می بیند
 . در شب سرد کویر ، سراب یخ میزند
 . گل مژه بر اثر بی آبی خشک شد
 . از گل مژه ام یک دسته گل درست کردم
 . از گل مژه برای تزئین سفره عقد استفاده می کند
 . از ستاره های آسمان سینه ریزی برای خورشید درست کردم
 . در دریای اندیشه ام غرق شدم

. در کویر اندیشه ملایان تنها حلیته المتقین روئیده
 . از مداد پاک به عنوان مالش بر دانش استفاده می کنم
 . خورشید داغ ترین و سبکی ترین ستاره منظومه شمسی
 . فاضل آب ؛ آب اندیشمند
 . سیل اقیانوس را برد
 . وقتی باران می آید ، جاده احساس لغزنده میشود
 . آروغ را گوز دهانی شناسائی می کند
 . به آفتابه ای که زنان را می شورد شیار شور و آفتابه ای که مردان را
 می شور خیار شور میگویند
 . آدم تتبل را در ناری او میتوان شناخت همانطوریکه آدم زرنگ را در
 زود رسی آن
 . به آنتی هیستامین میگوید تبریز
 . به آدم خشن و بی ملاحظه میگوید خشک کن
 . ساق دوش ؛ آدم عجیب الخلقه
 . از آبشار به عنوان آبریز گاه یاد می کند
 . برای ضبط صدا به داد سرا رفت
 . آب برای خودکشی از آبشارخودش را پائین انداخت
 . خاک سپاری بهار با تاخیر شش ماهه در پائیز صورت میگیرد
 . وقتی پیراهن گلدارش را می پوشید ، پرنده داخل قفس آرام میگرفت

. همیشه محل ملاقات من با خودم در آینه است.
 . نمیدانم منظورش از گفتن اینکه روی هم رفته سه بچه و روی هم نرفته
 پنج بچه دارد چیست ؟
 . از غلامرضا و عبدالعلی توقع آزادگی نباید داشت
 . به خیاطی که پیراهن گلدار برایش دوخته بود ، باغبان خطاب میکرد
 . در آینه هر چه بیشتر بخودم نگاه کردم ، نتوانستم خودم را شناسائی کنم
 . به دماغ میگوید ؛ گاز سنج
 . پائیز در مقابل گل کاغذی ناتوان است
 . آینه تنها خودش را از بالای تاقچه پائین انداخت
 . برگها در پائیز از غم بهار پژمرده شدند
 . به تمام بچه های زیر ده سال ، جوان مرد خطاب می کند
 . به فاصله بین مقعد و واژن بین النهرین میگوید
 . آخوند ناطق نوری از مقام رهبری خواست تا نام او را بر صدا و
 سیمای جمهوری اسلامی بگذارند
 . محرم رازش را تخت خواب میداند
 . تلنبد آب ، تنها عامل تحریک جنسی اوست
 . برای گرفتن تصمیم های مهم ، جلوی آینه می ایستم
 . برای سر و گوش آب دادن به حمام رفت
 . نام حجله را حظ خانه گذاشته است

. به خواهر زن میگوید ؛ نان زیر کباب و به خواهر شوهر میگوید ؛ سیخ کباب

. برای پوست نویسی پیش خالکوب رفت

. هر وقت دستگاه پانچ می بیند برایش غنچه بیآرید ، لاله بکارید میره به حجله شادوماد را می خواند

. دنبال علت نازائی می گشت ، به ذغال اخته رسید

. وقتی به روده میگوید ؛ انبیا !!! پس راست روده میشود ؛ خاتم الانبیا . آب در خودش شنا کرد

. همیشه خواهان بر خورد نزدیک از نوع سوم است

. کینه درخت نسبت به نجار ابدی است

. در تغییر شغل از باغبان نخواهید که نجار شود

. در مراسم پرده برداری او ، پانصد تن شرکت داشتند

. از شرمسار به عنوان پرنده خجالتی یاد می کند

. چراغ قوه خاموشم را به شب هدیه دادم

. در بررسی پرونده شخصی که خودکشی کرده کار قاضی ساده است ، قاتل و مقتول یکی است.

. ده تا ساعت زنگ دار خریدم ، ولی هیچکدام نتوانستند مرا از خواب غفلت بیدار کنند.

. با نردبان ترقی به پشت بام رفتم

. نردبان ترقی من ، پله ندارد
. پروانه محافظ کار به شمع نزدیک نمی شود
. آب نطلبیده مراد است و طلبیده آن اگر غیر قانونی باشد باعث درد سر
است
. آتش دوست و دشمن نمی شناسد
. برای خر پیرش افسار سیاه رنگ خرید
. آخر شاعری و اول آخوندی گدائی است
. وقتی ممه را لو ببرد ، شوهر دق می کند
. اعتقاد دارد ، زده را همیشه میتوان زد
. آواز خوان ماهی ، قورباغه است
. در روزهای بی آبی ، آسیاب با شاش موش می چرخد
. در تنگنا میتوان از بز نر هم شیر دوشید
. چون سینه فرد برای نگهداشتن راز تنگ بود ، آنرا به عضو گشادتری
تحویل داد
. یکشنبه ره صد ساله رفتن ، خستگی به همراه دارد
. با پر دیگران پریدم ، با سر به زمین خوردم
. تاریخ فوتم را از همه پنهان کردم
. کاغذ به خودنویس خوش آمد گفت.

. وقتی شب به آسمان نگاه می کنم ، ده ها ستاره بمن میگویند : من ستاره
بخت تو هستم ! مانده ام کدام را انتخاب کنم .

. چراغ قرمز زمستان به بهار اجازه عبور نمیدهد

. آنهاییکه با خوردن سیر نمی شوند ، چگونه توقع دارند با لیسیدن سیر
شوند؟

. زن مومنه و معتقد در خواب هم حامله میشود

. برای اینکه تنگی دو دنیا را شاهد نباشم ، مرا بسوزانید

. دنبال چمدانی که به اندازه تنهائی ام باشد بهر کجا سر زدم پیدا نکردم

. افکارم را بجرم یک عمر خیانت دار زدم

. مردم ایران در شعار دادن آزادند بشرطی اینکه ، مرگ بر آمریکا و
مرگ بر اسرائیل باشد .

. غروب غربت را وزن کردم ، ترازو شکست

. دل تنگم را پیش خیاط بردم تا آنرا گشاد کند.

. تنها آبشار حرف فواره را می فهمد

. چرا برای قطار زندگی واگن درجه یک نمی سازند؟

. قطرات باران در دریا شنا یاد میگیرند

. موج تصویر ماه در آب را ریشه کن کرد

. ابر قطرات باران می سازد. قطرات در جوی و رودخانه بزرگ میشوند

. بازی آنها پائین پریدن از آبشار است و مرگشان در باتلاق.

. باتلاق ، خانه سالمندان آب است
. قطره آب به قصد خودکشی خودش را روی خاک انداخت
. سکوت با صدای آژیر ماشین آتش نشانی از خواب پرید
. پائیز برای جدا کردن آخرین برگ از درخت ، آنرا تکان داد
. پشه بعد از نیش زدن ، پوستم را می خاراند
. تاب تحمل دیدن جدائی شبنم از گل را ندارم
. قطار وقتی دید کسی به قصد خودکشی روی ریل خوابیده ، عقب عقب رفت
. تصور اینکه در کشورم خورشید را زندانی کنند ، برایم مشکل است
. آزادی را در صندوقچه سکوت ذخیره کردم
. جاده یکطرفه را با درود میتوان دو طرفه کرد
. درخت خوشحال بود که پس از مرگش با چوبش نیمکت میسازند تا اهالی شهر در پارک روی آن استراحت کنند
. خورشید با آنکه قاتل آب است ، خالق آب هم هست.
. درخت کنار رودخانه پاچه شلوارش را بالا زده بود که خیس نشود
. رفتگر محله برای سطل زباله گلاب خرید
. در گورستان با گفتن خداحافظی نباید توقع دیدار مجدد داشت
. خار بر سر دیوار خودش را از تمام گلها برتر تصور میکرد.

. کسی که کلاه بر سر دارد نباید اجازه بدهد تا کلاه دیگری بر سرش بگذارند

. بهار زایشگاه گل را افتتاح کرد

. سیل ، هرچی آب بود با خود برد

. قطره باران هنگام سخنرانی طلب یک لیوان آب کرد

. برای اینکه غرق نشود به تصویر ماه که روی آب بود چنگ انداخت

. هواپیما برای بر خاستن از زمین از جاذبه اجازه گرفت

. کوه متواضع خودش را هم سطح دشت کرد

. سراب از سرمای شب کویر ، سیاه شد

. رنگین کمان با آب باران دوش گرفت

. نا امیدی ، روزنه امیدم را بست

. با قطره چکان ، قطرات اشکم را جمع کردم

. وقتی اینه شکست با عجله از مقابل آن رد شدم تا تصویرم آسیب نبیند

. از پائیز بخاطر قتل گلها به دادگاه شکایت برد

. سطل زباله گور بدون تابوت برای گلها

. روی درخت خشک نباید برای بهار پیغام گذاشت

. از وقتی به دنیا آمدم به مرگ فکر میکردم که یکدفعه مرا غافگیر نکند

. شهاب سنگ بعلت بی احتیاطی تصادف کرد

. مسلمان به دو حیوان خیلی وابسته است ، میمون و طوطی

. درخت دولا شده بود از آب رودخانه می خورد
 . دلخوشی باغبان پیر به گلهای قالی است
 . باغبان پیر روی گلهای قالی گلاب پاشید
 . رودخانه از دختر دریا درخواست ازدواج کرد
 . بخاطر قطع تلفن ، گفتگو در سیم تلفن گرفتار شد
 . برای دیدن آیت الله خامنه ای او را زیر میکروسکوپ گذاشتم ، باز دیده نشد
 . نوزاد پشه برای تمرین به عروسک نیش میزند
 . ابر موجب دلتنگی اقیانوس از ندیدن ستارگان شد
 . ویروس کرونا آنقدر دوست داشتنی است که تمام سلولهای بدن برای ورودش سر و دست می شکنند.
 . ویروس کرونا ، تنها قدرت جهانی بود که توانست در خانه خدا را ببندد
 . وقتی با دمش گردو می شکست ، فکر سختی پوست گردو را نکرده بود
 . برای رفع یبوست فکرم از ملیین استفاده می کنم
 . مدتها است به یبوست افکار و اسهال کلام مبتلاء شده ام
 . میگویند دو چیز متضاد موجب خنده میشود! تا آنجا که من یادم می آید
 دو چیز متضاد همیشه موجب گریه ام شده است
 . گریه کردن ، عادت مردم ایران است. کسی به آنها خندیدن یاد نداده است

- . چرا میگویند شوخی خرکی ... نمیگویند شوخی گاوکی ؟
- . توصیه می کنم وقتی کاریکلماتورهای مرا می خوانید ، کمی گاز خنده آور استنشاق کنید
- . هیچگاه طرف زهر خند نروید، خطرناک است
- . نیشخند هم دردناک است و هم موجب خارش میشود
- . لبخند ، طبیعی ترین فرم خنده
- . ریشخند ، خنده زبر و خشن
- . مرگ طنز زمانی فرا میرسد که جامعه به تعادل برسد
- . طنز درون شما را میکاود و لطیفه بیرون شما را
- . بسیاری از مردم تنها لطیفه را دوست دارند. از برادرش خوششان نمی آید
- . اگر طبع شوخی ندارید ، لطفا لای این دفتر را باز نکنید ، چون حالتان گرفته میشود
- . از خمینی به عنوان بیس ترین آدم جهان که مبتلا به یبوست مزمن افکار بود یاد می کنم
- . وقتی به کوچه علی چپ زدم ، گم شدم
- . هروقت می خواهد احساس خوبی به او دست بدهد ، در آینه نگاه می کند
- . دانشمندان امروز چگونه بدون دود چراغ خوردن مشهور شده اند ؟

. وقتی کسینجر بالای سال 57 را بصرمان آورد ، تازه متوجه معنی نام او شدم . کسی که با بوسه جلو می آید و بعد جر میدهد.

. ناپختگان را میتوان برای چند دقیقه در ماکروویو گذاشت

. وقتی آهنگ لالائی داریوش را پخش می کنم ، ساعت دیواریم بخواب میرود

. عروسک از پنجره به بازی کودک در حیاط خانه نگاه میکرد

. عروسک بخاطر کودکی که مادرش پول خرید آنرا نداشت از مغازه عروسک فروشی فرار کرد تا خودش را به کودک برساند

. الفت و انس کودک به عروسک بیشتر از پدر و مادرش است

. وقتی همسرم با کارد سبزی ها را قطعه قطعه می کند از بی احساسی او وحشت می کنم

. طوری شیشه ها را پاک می کند که هوا بداخل اتاق می آید

. با چرخ خیاطی پارچه را سزارین کردم

. وقتی سر و کله عزرائیل پیدا شد شیشه عمرم را پنهان کردم

. برای رفع بیکاری ، چرت زدن را بهترین راه تشخیص دادم

. وقتی همسرم با شدت در را کوبید ، از طبقه پنجم خیال پائین افتادم

. آدم زمین خوار همیشه رودل دارد

. با شمشیر عدالت ، تمرین شمشیر بازی می کند

. با سنجاق ، پف چشم هایم را رفع کردم

. دلم خوش است که در هفت آسمان یک ستاره هم ندارم ، چون مجبور
بودم هر سال مالیات آنها را بدهم
. سرقت سرقت است ... اگر به قصد قربت باشد
. علی به نصیحت مادرش گوش کرد و آب حوض را کشید
. برای جلوگیری از سرپیچی ، واشر فنی انداخت
. با کفن صد چاک در مسابقه طراحی لباس شرکت کرد
. وقتی همه چیز ارزان بود ، ما نبودیم . وقتی جمهوری اسلامی برود و
همه چیز ارزان شود ما نیستیم
. ترس از مرگ به عنوان برادر ناتنی اش یاد کرد
. تنها در حمام میتوان برابری و مساوات موقتی را دید
. لنگ حمام فقط یک سایز دارد
. معلم قرآن و شرعیات ما مثل سرهنگی بود که شش سال درجه سر تپیی
اش را نداده بودند
. خنده ای که از سر درماندگی باشد ، بناگوشها را بهم متصل می کند
. وقتی زن لخت روی صندلی نشست ، پایه های صندلی تا شد
. وقتی از بچه شغل مادرش را پرسیدند ، نمی دانست . سراسیمه گفت :
زن بابامه !!
. هیچ کس به اندازه تاریخ نویس مردم را گمراه نکرده ، خصوصا نوع
توده ای آن.

. آدم بلند پرواز عارش می‌آد سوار هواپیما شود

. در واژه های کفتر باز ، قمار باز ، حقه باز ، سیاست باز و.... چه پرنده ای وجود دارد . یک راهنمائی : کلاغ نیست!

. وقتی زاغ سیاه زنم را چوب زدم ، طفلک پرنده مرد

. با دلگرمی به دنبالش رفتم ، رادیاتورم جوش آورد

. برای اینکه مال و منالش مثل برف زیر آفتاب تابستان از بین نرود ، آنها را تبدیل به پول کرد و پولها را داخل یخچال گذاشت.

. سر خر را که کج کرد ، مهره های گردن حیوان بدبخت جابجا شد

. کاسه داغ تر از آش ، آش را سوزاند

. برای آب کردن دل از ناله استفاده میکرد

. مخش قبلا تیر می کشید ، تازگی ها وینستون

. وقتی بخت کسی خودش را بخواب بزند ، بیدار کردنش مشکل است.

. اگر نوزادی با شیر خشک بزرگ شده باشد در بزرگسالی به او میگویند : رحمت به شیری که خوردی ؟

. برای تو شیشه کردن خون مردم ، شیشه یک لیتری بجای نیم لیتری سفارش داد

. سابقا لباس ملا، پاسبان ، بقال ، اداره ای و... همه روی یک بند خشک میشدند و مساوات وجود داشت ! از وقتی که ماشین خشک کن آمده اختلاف طبقاتی پدر مان را در آورده است.

. برای اندازه گیری خاطر نازک تر از گلش کولیس خرید

. زن با سشوار سر شوهرش را گرم کرد
. با قضای حاجت مهمانی داد
. وقتی در جنگ همه چیز نابود شد ، کارخانه اسلحه سازی را تبدیل به
کارخانه ماشین آلات کشاورزی و جاده سازی کردند
. هنگام سان ، سرباز گمنام را در خط اول دیدم
. در روزنامه های آبانماه با تیتراژ درشت نوشته بودند : زنی پنج قلو زائید
وزیرش کوچک نوشته بودند : صدها تن در تظاهرات ضد حکومتی کشته
شدند
. موسیقی دان جنگ طالب ، شکستن دیوار صوتی را نت نویسی کرد
. وقتی دیوار صوتی شکست ، خرده هاش رو سرم ریخت
. در جنگ هشت ساله ایران و عراق ، هزاران سرباز میهن پرست
ایرانی و هزاران سرباز میهن پرست عراقی همدیگر را کشتند
. در جریان موشک اندازی عراقی ها ، بدهکاران آرزو میکردند تا
موشک روی خانه طلبکاران فرود بیاید
. وقتی آژیر قرمز صدا در می آمد ، کنجکاو مردم گل میکرد و روی
پشت بام میرفتند که ببینند جت های عراقی چه شکلی هستند
. برای ساختن کلبه چوبی اش چون میخ نداشت از گل میخک استفاده کرد
. وقتی با زن و بچه به دریا میروید . برای اینکه پاسداران مزاحم شما
نشوند ، زیر آبی شنا کنید
. خطر قطع برق ، ازدیاد نان خور است

. اگر تعداد تخم هائی که کبوتران صلح می گذاشتند کافی بود جنگ در
نمیگرفت .

. سرباز گمنام را دنیا می شناسد

. آدم سر بزیر داخل چاه و گودال نمی افتد

. کبوتر صلح با دیوار صوتی برخورد کرد

. وقتی خود را به موش مردگی میزند که گربه ای نزدیک او نباشد

. سیگار ، قلیان و مواد می کشد ولی منت نمی کشد

. طنز نویس موفق کسی است که تریاکی را بشوق بیاورد

. با سوهان روح هر سطح ناهمواری را صاف می کند

. وقتی سید علی خامنه ای به منبر میرود ، در مسجد را می بندند تا کسی
فرار نکند

. اگر سگی وارد مسجد شود و با پای خشک خارج شود چه باید کرد ؟
بهترین کار این است که پای سگ را آب کشید .

. برای کسی که سرعت وزن کم می کند ، موهای او برای سرش گشاد
میشوند

. نانوا هر روز پانصد تن را نان میدهد ، کاری که حاتم طائی هم نمی کند

. گرمی صدایش زبانه کشید و پرده تاتر را سوزاند

. شرری که از ناله سازش ریخته بود ، خیابان را به کثافت کشید

. با تلنگر به پنجره دلم زد ، آریتمی ضربان قلب گرفتم

. برای کوبیدن سر همسرش به تاق ، روی صندلی رفت
 . دنبال جای امن می گشت ، پرانتز را پیدا کرد
 . ویر استار تنها غلط چاپی را می بخشد
 . در گالری نقاشی دنبال نقاش ساختمان می گشت
 . قناری در کلاس بلبل آموزش خواندن می بیند
 . چون عکسش در کادر شش در چهار جا نگرفت ، آنرا در قطع کارت
 پستال گذاشت
 . در آینه بجای خودش حرف زد
 . گلها هزاران سال است که اشعار فارسی را تحمل کرده اند
 . در فرهنگ لغات برای نامهای علمی مشابه فارسی نداریم ، ولی برای
 کمان ابرو یک کامیون معنی داریم.
 . بهترین جوکی که بگریه ام انداخت این بود که شهردار آمل خواست تا
 الاغ ها لباس بپوشند تا سنبل آنها را خانم ها نبینند
 . موسیقی دان خلاقه ، دستگاه شور را با نمکدان اجراء می کند
 . برای عینکش نمره موقت گرفت
 . وقت رفتن را ساعتی که کوک آن تمام شده مشخص می کند
 . وقتی میخواهد سر و گوش آب بدهد ، به حمام میرود
 . قوه جاذبه برای همدردی با پرنده تیر خورده ، او را پائین نکشید
 . بلبل با دیدن گل خشک شده ، آوازش را قطع کرد

. پائیز از پرپر کردن گلها به شوق آمد
. زمستان پشت در گلخانه از سرما مرد
. ماهی برای رسیدن به دریا میان بر زد
. آنقدر گرسنگی کشید تا از زندگی سیر شد
. در بازار آهنگر ها دنبال فریاد نگردید
. با دیدن آخرین برف مطمئن شدم ، زمستان مرده است
. آنقدر آرزو با خودم بگور بردم که مجبورم بیرون تابوت بخوابم
. در سالگرد تولدم شمع عمرم را فوت کردم
. بنا به درخواستم ، شناسنامه ام را پیش از مردن باطل کردند . همزمان
پول سوشیال سکوریتی ام هم قطع شد .
. زندگیم را در زنده یاد روزبه خلاصه کردم و تنها آرزویم این است که
مرا زیر رادیکال یا داخل پرانتز خاک بسپارید
.

پایان پوشینه اول

